

نگاه ابن سینا به زندگی پس از مرگ

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع) با تشریح رویکردهای مختلف ادیان به مسئله جاودانگی و زندگی پس از مرگ، به نظریه ابن سینا در این مورد اشاره کرد و گفت: ابن سینا به "معاد روحانی" اشاره دارد و آن را به سعادت و شقاوت تقسیم می‌کند.



رویکردهای ادیان به جاودانگی/ نگاه ابن سینا به زندگی پس از مرگ

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع) با تشریح رویکردهای مختلف ادیان به مسئله جاودانگی و زندگی پس از مرگ، به نظریه ابن سینا در این مورد اشاره کرد و گفت: ابن سینا به "معاد روحانی" اشاره دارد و آن را به سعادت و شقاوت تقسیم می‌کند. به گزارش خبرنگار مهر، نشست "مرگ و جاودانگی؛ بازخوانی رویکردهای ادیان" با سخنرانی دکتر رضا اکبری عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع) روز سه شنبه 13 دیماه در پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات برگزار شد.

وی مباحث مربوط به جاودانگی را دارای یک شبکه مفهومی بسیار پیچیده خواند و گفت: از رویکردهای مختلفی می‌توان به بحث "جاودانگی" پرداخت که رویکرد تاریخی به مسئله پس از مرگ، مباحث معناشناسی در باب الفاظ مرتبط با جاودانگی، مبانی فلسفی ورود به هر گونه تصویر از جاودانگی و همچنین تصاویر زندگی بعد از مرگ را می‌توان از جمله مهمترین این رویکردها به شمار آورد.

استاد فلسفه دانشگاه امام صادق افزود: در "رویکرد تاریخی به مسئله پس از مرگ" باید تمدنهای قدیم را مورد مطالعه قرار داد تا تلقی آنان را نسبت به زندگی پس از مرگ دریابیم.

وی افزود: در "مباحث معناشناسی الفاظ مرتبط با جاودانگی" نیز از آنجایی که زبان یک هویت اجتماعی است و در یک جامعه زبانی ساخته می‌شود و با توجه به تنوع فرهنگها الفظی که ساخته می‌شود از یک سابقه ای برخوردار بوده و با یکدیگر متفاوت هستند لذا می‌توان با بررسی آن به نتایجی دست یافت. معمولا الفاظ از یک مفهوم به یک معنای دیگری منتقل می‌شوند؛ مثلا در فارسی کلماتی چون جاودانگی و... در خصوص زندگی پی از مرگ به کار می‌رود و در عربی یوم البعث، یوم النشر، قیامت و ... وجود دارد.

دکتر اکبری به تشریح "مبانی فلسفی مربوط به هرگونه تصویر از جاودانگی" پرداخت و گفت: با هر تصویری که به جاودانگی نگاه می‌کنیم دریافتهای خاصی خواهیم داشت اگر با نگاه دینی به این مسئله می‌نگریم باید به متون دینی مراجعه کنیم و اگر با نگاه فلسفی به این موضوع توجه می‌کنیم بنابراین باید در مورد مبانی سخن بگوییم.

وی این همانی شخصیت، رابطه نفس با بدن و مسئله آگاهی را سه مبنای فلسفی ورود به تصاویر جاودانگی برشمرد و افزود: در مورد مبنای نخست یعنی "این همانی شخصیت" این سؤال مطرح می‌شود که آنچه فرد را در گذر زمان همان فرد می‌کند چیست؟ مثلا باید "این همانی" بین من و آن انسانی که در قیامت محقق می‌شود ایجاد شود.

وی بدن، نفس مجرد و حافظه(خاطرات) را سه ملاک "این همانی شخصیت خواند و گفت: هر کدام از این تلقی ها را که قبول کنیم بر باور زندگی بعد از مرگ ما تأثیر دارد. مسئله نفس و بدن از ابتدا که مطرح شد بسیار ساده بود اما کم کم پیچیده شد. اولین سؤال این بود که ما نفس را به عنوان یک امر غیرمادی قبول داریم چگونه یک امر غیرمادی می‌تواند با یک امر مادی(بدن) ارتباط برقرار کند؟ و این سؤال بسیار سخت منجر به مباحث مختلفی شده است.

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع) تصریح کرد: نظریات بسیار درباره "رابطه نفس و بدن" منجر به ایجاد رشته ای به نام "فلسفه ذهن" شد. این مباحث نه تنها منجر به ایجاد یک رشته علمی شد بلکه به یک رویکرد در مباحث فلسفه تبدیل گردید. یعنی اگر می‌خواهیم مباحث فلسفه را حل کنیم اول باید "ذهن" را بشناسیم.

وی افزود: سه مسئله این همانی شخصیت، رابطه نفس و بدن و آگاهی حول محور شخصیت می‌چرخد؛ "شخصیت" به معنای متافیزیکی و فلسفی آن منظور است.

دکتر اکبری به مبانی الهیاتی جاودانگی اشاره کرد و افزود: هرگونه جاودانگی که بخواهد اتفاق بیفتد باید علم، قدرت و رحمت خداوند وجود داشته باشد.

وی شبکه ارتباطی جاودانگی را متعدد خواند و با اشاره به مسئله "تصاویر زندگی پس از مرگ" گفت: این بحث به دو دسته تقسیم

می شود برخی بر "استمرار زندگی انسان در دنیا" و برخی بر "استمرار زندگی انسان در جهان دیگر" معتقدند. در مورد استمرار زندگی انسان در دنیا بحث "اعتقاد به نفس" یا "تناسخ" مطرح می شود یعنی حرکت نفس از یک بدن به بدن دیگر که این بدن می تواند بدن انسانی یا حیوانی باشد. این تلقی به این برمی گردد که افراد با رفتار خود سرنوشت خویش را رقم می زنند.

وی تأکید کرد: اما اگر اعتقاد به وجود نفس نباشد ملاک این همانی شخصیت "حافظه" می شود؛ بر اساس این نظریه انسان وقتی می میرد مجدداً زنده می شود و در این دنیا مرگها و زنده شدن‌ها وجود دارد. لذا از آن می توان به "تولد مجدد" تعبیر کرد که این مسئله در آئین تائو و بودایی وجود دارد.

این استاد فلسفه افزود: در آئین هندو انتقال به زندگی حیوانی وجود ندارد اما در بودا چنین مسئله ای هست. استمرار این افراد در نهایت منجر به یک جاودانگی می شود که فرد در چیزی فانی می شود که در آئین بودا از آن تعبیر "برهمن" دارند و در آئین هندو به "نیروانا" تعبیر می شود. به هر حال در ادیان شرقی جاودانگی "حیات فانی" وجود دارد.

دکتر اکبری به تشریح نظریه "استمرار زندگی در جهان دیگر" پرداخت و گفت: اگر از این مسئله بدون پذیرش نفس سخن بگوییم سه نظریه شاخص اعاده معدوم، جمع اجزای پراکنده و نظریه بدل مطرح می شود. کسانی که نفس را مورد پذیرش قرار می دهند؛ در استمرار زندگی در جهان دیگر می توان از ابن سینا، ملاصدرا، غزالی (تهافت الفلاسفه)، پرایس و سویین برن یاد کرد که جزو این گروه هستند.

وی افزود: نظریه ابن سینا در این خصوص در کتاب "شفا" آمده است وی معاد جسمانی را بدون اینکه بحث فلسفی کند می پذیرد چراکه می گوید چون پیامبر این مسئله را فرموده آن را می پذیرم و وارد بحث فلسفی در باب "معاد جسمانی" نمی شود. اما ابن سینا تنها در "رسالة الاضحویه" معاد جسمانی را رد می کند که این کتاب باید بررسی تاریخی شود که چرا بوعلی این مسئله را مطرح کرده و یا اصلاً این حرف خودش است یا خیر.

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع) تأکید کرد: ابن سینا به "معاد روحانی" اشاره دارد و آن را به سعادت و شقاوت تقسیم می کند و به نظر او "معاد روحانی" ادراک است و در سعادت لذا عقلی و در شقاوت رنج عقلی را مطرح می کند.

اکبری در پایان به تشریح نظریه غزالی و ملاصدرا در باب جاودانگی پس از مرگ پرداخت و گفت: ملاصدرا معتقد است این نفس انسانی است که بهشت و جهنم را برای خود تعیین می کند. پرایس نیز شبیه نظریه ملاصدرا را دارد و تئوری او بر اساس "تمثیل خواب" است. سویین برن نیز یک روش قوی در اثبات وجود خدا دارد و به تمایز بین کارکرد و وجود نفس قائل است. او معتقد است پس از مرگ نفس کارکرد خود را از دست می دهد و خداوند می تواند در قیامت به نوعی که نمی دانیم چیست به نفس کارکرد ببخشد.